

# رابطه بین الگوهای ارتباط زناشویی و باورهای غیرمنطقی دبیران دبیرستان های ملایر

حسین سیاوشی  
کارشناس ارشد مشاوره  
دکتر شکوه نوابی نژاد  
عضو هیأت علمی دانشگاه تربیت معلم



## چکیده

این پژوهش با هدف بررسی رابطه الگوی ارتباط زناشویی دبیران و باورهای منطقی آنها انجام گرفت. دو پرسشنامه الگوهای ارتباط زناشویی و باورهای غیرمنطقی، توسط ۱۷۱ نفر از دبیران دبیرستان، که به صورت تصادفی انتخاب شده بودند، تکمیل و بررسی شد. نتایج نشان داد که بین الگوی ارتباط سازنده متقابل و باورهای غیرمنطقی دبیران رابطه منفی معناداری وجود دارد. اما همبستگی بین سایر الگوهای ارتباط زناشویی و باورهای غیرمنطقی مثبت و معنادار بود.

همچنین یافته‌ها نشان داد مردان دبیری که الگوی غالب ارتباط زناشویی آنها یکی از الگوهای ارتباط سازنده متقابل، ارتباط مرد توقع / زن کناره گیر و یا زن توقع / مرد کناره گیر است در مقایسه با زنان دبیری که از این الگوها در ارتباط با همسرشان استفاده می‌کنند، منطقی تر هستند. در الگوهای ارتباط اجتناب متقابل و توقع / کناره گیری، تفاوت معناداری بین باورهای غیرمنطقی زنان و مردان بدست نیامد.

## مقدمه

ارتباط، سراسر زندگی انسان را در بر گرفته است. زندگی با شروع ارتباط آغاز می‌شود و با قطع آن به پایان می‌رسد. انسان در دامان ارتباط متولد می‌شود و نیازهایش را از هر نوعی که باشند برطرف می‌کند، به کمک ارتباط زنده می‌ماند، رشد می‌کند و تکامل می‌یابد. سعادت و خوشبختی انسان تا حد زیادی به چگونگی ارتباط او با دیگران بستگی دارد. البته در این زمینه اهمیت برخی از انواع ارتباط بیش از سایرین است، زیرا برخی از انواع ارتباط اقتصادی، برخی اجتماعی، برخی زیستی و روانی یا معنوی هستند. اما یکی از طولانی‌ترین و عمیق‌ترین نوع ارتباط، که همه ابعاد فوق را یکجا در بر می‌گیرد ارتباط زناشویی است؛ ارتباطی که اغلب انتظار داریم در سایه آن هر نوع نیازی را در حد رضایت، ارضاء کنیم و به آرمان‌های خود جامه عمل پوشانیم.

ازدواج رضایت‌بخش برای سلامتی جسمی هر دو همسر بسیار مفید است (برمن و مارگولین<sup>۱</sup>، ۱۹۹۲). در مقایسه با افرادی که طلاق گرفته یا هرگز ازدواج نکرده‌اند، افراد متأهل و بالاخص افرادی که دارای ازدواج رضایت‌بخش دو جانبه‌ای هستند، عمر طولانی‌تری داشته و نسبت بیماری‌ها و امراض در آنها کمتر است (هو و گلدمن<sup>۲</sup>، ۱۹۹۰). ازدواج به دلایل عدیده‌ای دچار تعارض می‌شود و بروز تعارض در روابط انسان‌ها با یکدیگر اجتناب‌ناپذیر است. در ازدواج باید فرض را بر این گذاشت که بروز تعارض جزئی از رابطه زناشویی و زندگی مشترک با هر کسی است، پس به ناچار زن و شوهر باید یاد بگیرند که تعارض‌های خود را حل کنند تا خوشبخت شوند، در غیر این صورت ممکن است کار به جدایی بکشد. به اعتقاد الیس<sup>۳</sup> (الیس و همکاران، ۱۳۷۵؛ ترجمه صالحی) علت مشکلات زناشویی افسانه‌هایی هستند که افراد آنها را بارها به خود تلقین می‌کنند و بعدها بدون چون و چرا می‌پذیرند. هر گاه این افراد با واقعیت‌های دشوار زندگی مواجه می‌شوند به بیشترین مشکلات دچار می‌گردند زیرا عمده این انتظارات غیرواقعی هستند.

ارتباط زناشویی فرایندی است که طی آن زن و شوهر چه به صورت کلامی و چه به صورت غیرکلامی به تبادل احساسات و افکار می‌پردازند. چنین ارتباطی از مهمترین

1. Burman &amp; Margolin

2. Hu &amp; Goldman

3. Ellis

منابع کسب خشنودی در زندگی به شمار می‌رود. ازدواج برای انسان نوعی کمال محسوب می‌شود. انسان دارای مجموعه‌ای از نیازها و غرایز است که عدم ارضاء و یا نقص در ارضاء هر کدام، تزلزل در شخصیت را به وجود می‌آورد. انسان براساس قانون آفرینش و حکم فطرت برای تأمین نیازهای مختلف روانی، اجتماعی خود و نیز بقای نسل، آرامش جسم و روان و حل مشکلات گوناگون زندگی به ازدواج نیازمند است (نوابی نژاد، ۱۳۷۷).

ارتباط اعضای خانواده با یکدیگر آن‌ها را قادر می‌سازد تا نیازها، خواسته‌ها و علایق خود را با سایرین در میان گذارند. عشق، دوستی و محبتشان را نسبت به یکدیگر ابراز کنند و به خوبی از عهده حل مشکلات و مسائل اجتناب‌ناپذیر در خانواده برآیند. اما فقدان مهارت‌های ارتباطی لازم، امکان چنین عملکردی را از خانواده و زوجین سلب نموده رابطه صمیمانه آن‌ها را به یک رابطه موازی و بدون صمیمیت تبدیل می‌کند. هنگامی که ارتباط صمیمانه متوقف می‌شود، انرژی عشق به آزرده‌گی و خشم تبدیل می‌گردد و در نتیجه منازعات فراوان، طعنه‌های خجل‌کننده، انتقادهای مکرر، عدم علاقه جنسی و یا پناه بردن به سکوت را موجب می‌شود (بولتون، ۱۳۸۳؛ ترجمه سهرابی).

در بررسی ساختارهای خانواده یکی از راه‌ها، پرداختن به کانال‌های ارتباطی اعضای خانواده به ویژه زن و شوهر است. کانال‌های ارتباطی که کراراً از آن‌ها استفاده می‌شود، الگوی ارتباطی نامیده می‌شوند. (ترنهلیم<sup>۱</sup> و یانسن<sup>۲</sup> ۱۹۹۶، نقل از عبادت پور، ۱۳۷۹). کریستینس<sup>۳</sup> و سالووی<sup>۴</sup> بر سه الگوی مهم ارتباط زناشویی<sup>۵</sup> تأکید دارند:

۱- ارتباط سازنده متقابل<sup>۶</sup>، ۲- ارتباط اجتنابی متقابل<sup>۷</sup>، ۳- ارتباط کنارگیری / توقع<sup>۸</sup> (عبادت پور، ۱۳۷۹).

عاطفه را باید یکی از ابعاد مهم تعاملات زناشویی دانست و عامل تفکیک‌کننده خوبی بین زوجین درمانده و غیر درمانده به شمار آورد. نولر<sup>۹</sup> و فیتزپاتریک<sup>۱۰</sup> (۱۹۹۰)

1. Trenholm

2. Yensen

3. Chrstensen

4. Sullaway

5. Communication parems questionnaire

6. Mutual constrictive communication

7. Mutual avoidance of communication

8. Demand/ Withdraw

9. Noller

10. Fitzpatrick

معتقدند کمی عاطفه مثبت، فزونی عاطفه منفی و فزونی ابراز متقابل عواطف منفی از مشخصه‌های جو هیجانی زوجین در مانده است. برادبری و همکاران بیان می‌دارند که عاطفه یکی از عوامل مهم در برآورد واریانس کیفیت ازدواج است (عبادت‌پور، ۱۳۷۹). شناخت نیز یکی از ابعاد تعامل زناشویی است. شنگ<sup>۱</sup> می‌گوید: بعضی از ساختارهای شناختی از قبیل توجه انتخابی، پیش فرض‌ها و معیارها و خصوصاً اسنادهای علی توقعات، عوامل مهم در فهم مشکلات زناشویی هستند. او معتقد است اسنادهای علی افراد از مشاهده رفتارهای همسرانشان بطور جدی بر سطح رضایت آنان از رابطه تأثیر می‌گذارد (برنشتاین و برنشتاین، ۱۳۸۰؛ ترجمه پور عابدی). امروزه ازدواجی موفق‌تر است که ترکیبی از احساس و عقل را ارائه دهد (ساروخانی، ۱۳۷۰). پیش فرض رویکردهای استدلالی درباره رفتار این است که افراد می‌توانند از طریق دگرگون ساختن باورهای خود، رفتار و احساسشان را تغییر دهند. نظام عقلانی - عاطفی ایس از این دسته است. او معتقد است وقتی یک رویداد یا واقعه ناراحت کننده برای ما اتفاق می‌افتد، خود آن رویداد ما را ناراحت یا مضطرب نمی‌کند بلکه برداشت ما از آن رویداد است که منجر به اضطراب و ناراحتی ما می‌شود (آزاد، ۱۳۷۵).

او عوامل ناراحت کننده محیطی را رویدادهای فعال کننده A می‌نامد و اضافه می‌کند که این رویدادها به خودی خود تعیین کننده احساسات ما نیستند بلکه از سیستم باورهای ما، که ممکن است منطقی<sup>۲</sup> و یا غیر منطقی<sup>۳</sup> باشند گذشته، و احساسات ما را رقم می‌زنند. باورهای منطقی احساسات مثبتی چون شادی و آرامش را به دنبال دارد و باورهای غیر منطقی مولد افسردگی و اضطراب و سایر احساسات منفی بیمارگونه هستند. در مورد باورهای غیر منطقی تقسیم بندی‌های مختلفی وجود دارد در یک نوع آن ۱۰ باور غیر منطقی آمده است (وودز، ۱۹۹۳؛ به نقل از سودانی، ۱۳۷۵)، که عبارتند از: توقع از دیگران<sup>۴</sup>، انتظارات بیش از حد از خود<sup>۵</sup>، سرزنش کردن<sup>۶</sup>، واکنش با درماندگی به ناکامی<sup>۷</sup>، بی مسئولیتی عاطفی، نگرانی زیاد توأم با اضطراب<sup>۸</sup>، اجتناب از

1. Cheng

2. Rational belief

3. Irrational belief

4. Demand for Approval

5. High self expectations

6. Blame proneness

7. Frustration reactive

8. Anxious over concern

مشکل<sup>۱</sup>، باور غیرمنطقی وابستگی<sup>۲</sup>، درماندگی برای تغییر<sup>۳</sup>، کمال‌گرایی<sup>۴</sup>. بنابراین، رفتار درمانی عقلانی - عاطفی در قلمرو ارتباط به باورهای افراد می‌پردازد یعنی این نظریه معتقد است که نحوه تفکر افراد عامل اصلی در کیفیت روابط انسان‌ها است و این تفکر است که به خشم و سایر هیجانات و تعامل‌های آشفته زوج منجر می‌گردد (الیس و همکاران، ۱۳۷۵).

با توجه به مطالب بالا و بررسی سایر پژوهش‌هایی که در مورد الگوهای ارتباطی و یا باورهای منطقی الیس صورت گرفته و رابطه آن را با متغیرهایی چون رضایت زناشویی، اضطراب و غیره... مورد بررسی قرار داده‌اند، پژوهشگر را به این سؤال متوجه کرد که آیا می‌توان با بررسی باورهای افراد در جریان مشاوره، الگوی ارتباطی آن‌ها با همسرانشان را پیش‌بینی کرد و آیا از طریق مشاوره و تغییر باورهای غیرمنطقی افراد می‌توان رابطه زناشویی سالم‌تری را برای آن‌ها پیش‌بینی نمود؟ به عبارت دیگر مسأله تحقیق عبارت است از؛ بررسی رابطه بین الگوهای ارتباط زناشویی و باورهای غیرمنطقی، و فرضیه‌های پژوهش نیز عبارتند از:

#### فرضیه اصلی

بین الگوهای ارتباط زناشویی و باورهای غیرمنطقی دیران رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه‌های دیگر تحقیق عبارتند از:

۱ - بین الگوی ارتباط سازنده متقابل دیران با باورهای غیرمنطقی آن‌ها رابطه وجود دارد.

۲ - بین الگوی ارتباط اجتناب متقابل دیران با باورهای غیرمنطقی آن‌ها رابطه وجود دارد.

۳ - بین الگوی ارتباط مرد توقع / زن کناره‌گیر دیران با باورهای غیرمنطقی آن‌ها رابطه وجود دارد.

1. Problem avoidance

2. Dependency

3. Helplessness for change

4. Perfectionism

- ۴- بین الگوی ارتباط زن توقع / مرد کناره‌گیر دبیران با باورهای غیرمنطقی آنها رابطه وجود دارد.
- ۵- بین الگوی ارتباط توقع / کناره‌گیر دبیران با باورهای غیرمنطقی آنها رابطه وجود دارد.
- ۶- بین باورهای منطقی زنان، و مردان دبیر با الگوی ارتباط سازنده متقابل آنها تفاوت وجود دارد.
- ۷- بین باورهای غیرمنطقی زنان، و مردان دبیر با الگوی ارتباط اجتناب متقابل آنها تفاوت وجود دارد.
- ۸- بین باورهای غیرمنطقی زنان، و مردان دبیر با الگوی ارتباط مرد توقع / زن کناره‌گیر آنها تفاوت وجود دارد.
- ۹- بین باورهای غیرمنطقی زنان، و مردان دبیر با الگوی ارتباط زن توقع / مرد کناره‌گیر آنها تفاوت وجود دارد.
- ۱۰- بین باورهای غیرمنطقی زنان، و مردان دبیر با الگوی ارتباط توقع / کناره‌گیر آنها تفاوت وجود دارد.

### روش پژوهش

با در نظر گرفتن هدف نهایی پژوهش که بررسی ارتباط بین متغیرهای مربوط به الگوهای ارتباط زناشویی از یک طرف و متغیر باورهای غیرمنطقی از طرف دیگر است، از طرح پژوهش توصیفی به صورت همبستگی استفاده شده است. جامعه آماری این تحقیق کلیه ۴۵۰ نفر دبیر متأهل زن و دبیر متأهل مرد دبیرستان‌های شهر ملایر (در سال تحصیلی ۸۳-۸۲) هستند که حداقل یکسال از زندگی مشترکشان گذشته بود. نمونه پژوهش در این تحقیق، تعداد ۱۷۱ نفر از دبیران متأهل دبیرستان‌های شهرستان ملایر بودند که به شیوه نمونه‌گیری تصادفی به شرح زیر انتخاب شده‌اند:

ابتدا ۱۲ دبیرستان بطور تصادفی انتخاب گردید، سپس دبیرانی که حداقل یکسال از زندگی مشترک آنها می‌گذشت و پست سازمانی آنها در دبیرستان‌ها بود در این تحقیق شرکت داده شدند. در مجموع، با استفاده از جدول برآورد حجم نمونه از جامعه، ۲۰۵ نفر از دبیران انتخاب شدند و به پرسشنامه‌های این پژوهش پاسخ دادند که به علت عدم

عودت تعدادی از پرسشنامه‌ها، همچنین عدم پاسخگویی به همه سؤالات از سوی برخی پاسخ دهندگان، در نهایت پرسشنامه‌های ۱۷۱ نفر مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت.

## ابزار جمع‌آوری اطلاعات

در این تحقیق از دو پرسشنامه استفاده شده است. یکی پرسشنامه الگوهای ارتباطی زناشویی که توسط کریستنسن و سالووی تهیه شده است. و دیگری پرسشنامه باورهای غیرمنطقی که توسط جونز تهیه شده است.

### الف - پرسشنامه الگوهای ارتباطی

این پرسشنامه در سال (۱۹۸۴) توسط کریستنسن و سالووی در دانشگاه کالیفرنیا ساخته شد. این پرسشنامه یک ابزار خودسنجی ۳۵ سؤالی است که به منظور برآورد ارتباط زناشویی زوجین طراحی شده است، و رفتارهای زوجین را در طی سه مرحله تعارض زناشویی برآورد می‌کند. این مراحل عبارتند از:

(A) هنگامی که مشکلی در روابط زوجین به وجود می‌آید، (B) مدت زمانی که درباره مشکل ارتباطی بحث می‌شود، (C) بعد از بحث راجع به مشکل ارتباطی. زوجین هر رفتار را روی یک مقیاس ۹ درجه‌ای لیکرت، که از ۱ (اصلاً امکان ندارد) تا ۹ (خیلی امکان دارد) تنظیم شده است، درجه‌بندی می‌کنند. پرسشنامه الگوهای ارتباطی از سه خرده مقیاس زیر تشکیل شده است:

الف) ارتباط سازنده (متقابل، ب) ارتباط اجتنابی (متقابل، ج) ارتباط کناره‌گیری / توقع.  
ارتباط کناره‌گیری / توقع خود از دو بخش تشکیل شده است: الف) مقیاس مرد توقع / زن کناره‌گیری، ب) مقیاس زن توقع / مرد کناره‌گیری.

### روایی پرسشنامه

تحقیقات قبلی که از پرسشنامه الگوهای ارتباطی استفاده کرده‌اند، روایی قابل قبولی را برای خرده مقیاس‌های مختلف آن فراهم نموده و یا گزارش کرده‌اند. کریستنسن و شنک (۱۹۹۱) روایی سه خرده مقیاس این پرسشنامه را برآورد نمودند. بودنمن و

همکاران (۱۹۹۸) به منظور برآورد روایی این پرسشنامه همبستگی بین مقیاس‌های این پرسشنامه و پرسشنامه همسران را به دست آوردند، همچنین هیوی و همکاران (۱۹۹۶) روایی ملاکی و روایی سازه را برای خرده مقیاس‌های این پرسشنامه محاسبه نمودند. در ایران عبادت‌پور (۱۳۷۹) به منظور برآورد روایی این پرسشنامه، همبستگی بین مقیاس‌های این پرسشنامه و پرسشنامه رضایت زناشویی را بدست آورد؛ نتایج نشان داد که همه مقیاس‌های این پرسشنامه با رضایت زناشویی همبستگی دارد؛ ضرایب همبستگی بدست آمده برای سه خرده مقیاس ارتباط سازنده متقابل (پنج سؤالی)، ارتباط اجتناب متقابل و ارتباط توقع /کناره‌گیری به ترتیب عبارتند از  $0/58$ ،  $0/58$  - و  $0/35$  - که همگی در سطح آلفای  $0/1$  معنادار بودند. همچنین در این تحقیق همبستگی نمرات مقیاس ارتباط سازنده متقابل (هفت سؤالی) بانمرات حاصل از پرسشنامه رضایت زناشویی به میزان  $0/74$  بدست آمد که در سطح آلفای  $0/1$  معنادار بود.

#### پایایی پرسشنامه

هیوی و همکاران (۱۹۹۳)، کریستنسن و هیوی (۱۹۹۰) پایایی خرده مقیاس‌های این پرسشنامه را با روش آلفای کرونباخ از  $0/50$  تا  $0/78$  گزارش نموده‌اند. بودنمن و همکاران (۱۹۹۶) در پژوهشی که بر روی آزمودنی‌های سوئسی و آلمانی انجام دادند، پایایی مقیاس ارتباط سازنده متقابل (هفت سؤالی) این پرسشنامه را بین  $0/74$  -  $0/78$  گزارش نمودند که نتایج رضایت بخش است (رسولی، ۱۳۸۰).

هیوی و همکاران (۱۹۹۶) میزان ثبات درونی را برای خرده مقیاس ارتباط سازنده متقابل (هفت سؤالی)، بدست آوردند. آلفای کرونباخ برای مردان و زنان در این خرده مقیاس به ترتیب  $0/84$  و  $0/81$  بود. بودنمن و همکاران (۱۹۹۸) پایایی خرده مقیاس‌های پرسشنامه را برای نمونه‌های آلمانی و سوئسی بدست آوردند؛ و نتایج را با نمونه آمریکایی (کریستنسن و هیوی، ۱۹۹۰) مقایسه نمودند که آلفای کرونباخ بدست آمده بین  $0/85$  -  $0/44$  نتایج رضایت‌بخشی را نشان می‌دهد. عبادت‌پور (۱۳۷۹) پایایی مقیاس‌های پرسشنامه الگوهای ارتباطی با استفاده از روش آلفای کرونباخ به ترتیب در مقیاس‌های ارتباط سازنده متقابل (پنج سؤالی)، ارتباط اجتناب متقابل، ارتباط توقع زن /



کناره‌گیری مرد، ارتباط توقع مرد/کناره‌گیری زن و ارتباط کناره‌گیری /توقع، (۰/۷۰، ۰/۷۱، ۰/۵۱، ۰/۵۲، ۰/۶۶ برآورد نموده است. در پژوهش حاضر پایایی مقیاس‌های این پرسشنامه با استفاده از روش آلفای کرونباخ برای الگوی ارتباط سازنده متقابل (هفت سؤالی)، ارتباط اجتناب متقابل، توقع زن/کناره‌گیری مرد، توقع مرد/کناره‌گیری زن و توقع/کناره‌گیری به ترتیب ۰/۷۸، ۰/۷۴، ۰/۶۲، ۰/۵۹، ۰/۷۲ بدست آمده است.

### ب - پرسشنامه باورهای غیرمنطقی

باورهای غیرمنطقی (طبق نظریه، رفتاردرمانی عقلانی - عاطفی «آلبرت ایس») بوسیله پرسشنامه باورهای غیرمنطقی جونز مورد اندازه‌گیری قرار گرفت. این پرسشنامه یکی از پر استفاده‌ترین ابزار اندازه‌گیری باورهای غیرمنطقی در جهان است. این آزمون ۱۰۰ سؤالی است و از ۱۰ مقیاس شکل گرفته است و هر مقیاس دارای ۱۰ سؤال می‌باشد.

#### روایی پرسشنامه

اسمیت و زوراسکی<sup>۱</sup> (۱۹۸۴) در تحقیقات متعددی مشاهده نمودند که بین آزمون باورهای غیرمنطقی و آزمون‌های آشفتگی عاطفی، همبستگی بالایی وجود دارد. در این تحقیقات آن‌ها رابطه آزمون باورهای غیرمنطقی و آزمون باورهای منطقی را یکبار ۰/۶۶ و یکبار دیگر ۰/۷۱ بدست آوردند. همبستگی این دو آزمون با آزمون‌هایی همچون، آزمون وضعیت اضطراب، آزمون افسردگی بک، و آزمون وضعیت خشم، به ترتیب ۰/۷۰، ۰/۷۷، ۰/۵۹، ۰/۷۰، ۰/۵۵، ۰/۵۰ بدست آمده است که همگی در سطح ۰/۹۹ معنادار هستند (سودانی، ۱۳۷۵).

این پرسشنامه در سال ۱۳۷۵ پس از مکاتبه سودانی با وودز، از طرف ایشان دریافت و ترجمه شد. برای بدست آوردن روایی صوری پرسشنامه در ایران توسط متخصصان رشته‌های روان‌شناسی و مشاوره مورد تأیید قرار گرفت (سودانی، ۱۳۷۵؛ داوودی، ۱۳۷۸).

1. Smith & Zurawski

## پایایی پرسشنامه

پایایی این آزمون در پژوهشی که در تابستان ۷۳ توسط تقی پور با استفاده از یک نمونه ۱۰۶ نفری از دانشجویان دانشگاه علامه طباطبایی با میانگین سن ۲۴/۲۵ صورت گرفت به دست آمد. نتایج حاصل از پژوهش فوق نشان می‌دهد که پایایی این آزمون از طریق ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۱ است. در تحقیق دیگری که توسط داوودی (۱۳۷۸) انجام شد پایایی آن از طریق آلفای کرونباخ ۰/۶۸ بدست آمده است.

## روش اجرای پژوهش

در این پژوهش دبیرستان‌ها به روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شدند. ابتدا ۱۲ دبیرستان بطور تصادفی انتخاب گردید، سپس دبیرانی که حداقل یکسال از زندگی مشترک آنها می‌گذشت و پست سازمانی آنها در آن دبیرستان‌ها بود در این تحقیق شرکت داده شدند. لازم به ذکر است که دبیرستان‌های بزرگسالان، ایثارگران و مراکز پیش‌دانشگاهی از فهرست دبیرستان‌ها حذف گردید و در نمونه‌گیری دخالت داده نشدند. جهت جلب همکاری دبیران در تکمیل صادقانه پرسشنامه، با مدیران دبیرستان‌ها راجع به اهمیت پژوهش و نحوه همکاری و فراهم نمودن شرایط مناسب، هماهنگی لازم به عمل آمد. از آنجایی که اجرای پرسشنامه‌ها همزمان با پایان کلاس‌ها (در اردیبهشت ماه) بود، این امکان فراهم شد تا دبیران در حضور پژوهشگر به پرسشنامه‌ها پاسخ دهند. بدین ترتیب، پرسشنامه‌ها در همان جلسه پاسخ داده شده و جمع‌آوری شدند.

از آنجا که سؤالات پرسشنامه الگوهای ارتباطی به نحوی طراحی شده است که پاسخ‌دهی هر یک از زوجین به سؤالات می‌تواند الگوی ارتباط زناشویی آنها را مشخص کند و میزان هماهنگی بالای بین پاسخ‌های مستقل بین زن و شوهر در خرده‌مقیاس‌های این پرسشنامه در نمونه آمریکایی در کلیه الگوها ۰/۷۱ (کریستین ۱۹۸۱ به نقل از رسولی، ۱۳۸۰) و در نمونه ایرانی (عبادت‌پور، ۱۳۷۹) که جامعه آماری آن از شهر تهران انتخاب شده بودند ۰/۶۲ بدست آمده که در سطح ۰/۰۵ معنادار می‌باشد، بنابراین نسبت به ارائه پرسشنامه به همسر دبیران نیازی احساس نشد.

## روش آماری مورد استفاده در تحلیل داده‌ها

در این پژوهش به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش‌های آمار توصیفی از جمله میانگین، انحراف استاندارد، جداول فراوانی و همچنین در آمار استنباطی، ضریب همبستگی و آزمون  $\chi^2$  استفاده شد.

## تجزیه و تحلیل داده‌ها

الف) نتایج مربوط به مشخصات آماری نمونه مورد پژوهش (آمار توصیفی):

جدول ۱ - اطلاعات مربوط به متغیرهای اسمی

متغیر	طبقات متغیر	فراوانی	درصد
جنسیت	زن	۶۶	۳۸/۶
	مرد	۱۰۵	۶۱/۴
الگوهای زوجین	سازنده متقابل	۴۶	۲۶/۹
	مرد توقع / زن کناره‌گیری	۳۵	۲۰/۵
	زن توقع / مرد کناره‌گیری	۳۸	۲۲/۲
	توقع / کناره‌گیری	۱۷	۹/۹
	اجتناب متقابل	۳۵	۲۰/۵

در جدول ۱ اطلاعات مربوط به متغیرهای اسمی آمده است. بیشترین فراوانی از نظر جنسیت را مردها با فراوانی ۱۰۵ نفر دارند که ۶۶/۴ درصد آزمودنی‌ها هستند و تعداد زن‌ها ۶۶ نفر است که ۳۸/۶ درصد کل آزمودنی‌ها را تشکیل می‌دهند. در بین الگوهای ارتباط زناشویی بیشترین فراوانی مربوط به الگوی ارتباط سازنده متقابل با ۴۶ مورد که ۲۶/۹ درصد آزمودنی‌ها در این گروه قرار گرفته‌اند و کمترین فراوانی مربوط به الگوی توقع / کناره‌گیری با فراوانی ۱۷ و ۹/۹ درصد می‌باشد.

## جدول ۲ - اطلاعات مربوط به متغیرهای کمی

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	تعداد
باورهای غیرمنطقی	۴۴/۱۴	۸/۴۱	۱۷۱
الگوی سازنده متقابل	۱۲/۴۳	۷/۴۶	۱۷۱
الگوی مرد توقع / زن کناره‌گیری	۱۱/۱	۵/۸۶	۱۷۱
الگوی زن توقع / مرد کناره‌گیری	۱۳/۰۲	۵/۷۱	۱۷۱
الگوی توقع / کناره‌گیری	۲۵/۲۴	۸/۳۷	۱۷۱
الگوی اجتناب متقابل	۱۲/۶	۶/۰۹	۱۷۱

جدول ۲ اطلاعات مربوط به متغیرهای کمی را نشان می‌دهد. مطابق جدول، باورهای غیرمنطقی با میانگین ۴۴/۱۴ و انحراف استاندارد ۸/۴۱ بالاترین میانگین و انحراف استاندارد را دارد، و پایین‌ترین میانگین مربوط به الگوی مرد توقع / زن کناره‌گیری است که برابر است با ۱۱/۱ و کمترین انحراف استاندارد برابر است با ۵/۸۶ در الگوی زن توقع / مرد کناره‌گیری.

ب - یافته‌های حاصل از اجرای پرسشنامه با توجه به فرضیه‌های پژوهش (آمار استنباطی)

فرضیه اول: به منظور بررسی رابطه بین باورهای غیرمنطقی دبیان و الگوی ارتباط سازنده متقابل آنها از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. نتایج نشان می‌دهد که همبستگی محاسبه شده برابر است با (۰/۱۹۶-) که با درجه آزادی (۱۶۹) در سطح معناداری (۰/۰۵ < P) از همبستگی جدول (۰/۱۸۱) با همان درجه آزادی بزرگتر می‌باشد. در نتیجه رابطه بین این دو متغیر معنادار است. جهت رابطه منفی و معکوس می‌باشد، یعنی دبیانی که باورهای غیرمنطقی کمتری دارند در الگوی سازنده دارای نمره بیشتری می‌باشند و برعکس.

## جدول ۳ - رابطه باورهای غیرمنطقی با الگوی ارتباط سازنده متقابل دبیان

متغیرها	باورهای غیرمنطقی	سطح معناداری	تعداد نمونه
الگوی سازنده	-۰/۱۹۶	۰/۰۱۰	۱۷۱

فرضیه دوم: به منظور بررسی رابطه بین باورهای غیرمنطقی دیران و الگوی ارتباط اجتناب متقابل آنها از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. نتایج نشان می‌دهد که همبستگی محاسبه شده برابر است با (۰/۱۵۶) که با درجه آزادی (۱۶۹) در سطح معناداری (P < ۰/۰۵) از همبستگی جدول (۰/۱۳۸) با همان درجه آزادی بزرگتر می‌باشد. یعنی دیرانی که باورهای غیرمنطقی بیشتری دارند در الگوی اجتناب متقابل نیز دارای نمره بیشتری می‌باشند و برعکس.

جدول ۴ - رابطه باورهای غیرمنطقی با الگوی اجتناب متقابل دیران

متغیرها	باورهای غیرمنطقی	سطح معناداری	تعداد نمونه
الگوی اجتناب متقابل	۰/۱۵۶	۰/۰۴۲	۱۷۱

فرضیه سوم: به منظور بررسی رابطه بین باورهای غیرمنطقی دیران و الگوی ارتباطی مرد توقع / زن کناره‌گیری آنها از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. نتایج نشان می‌دهد که همبستگی محاسبه شده برابر است با (۰/۱۵۴) که با درجه آزادی (۱۶۹) در سطح معناداری (P < ۰/۰۵) از همبستگی جدول (۰/۱۳۸) با همان درجه آزادی بزرگتر است. در نتیجه، رابطه بین این دو متغیر معنادار می‌باشد. جهت رابطه، مثبت و مستقیم است یعنی دیرانی که باورهای غیرمنطقی بیشتری دارند در الگوی ارتباطی مرد توقع / زن کناره‌گیری نیز دارای نمره بیشتری می‌باشند و برعکس.

جدول ۵ - رابطه باورهای غیرمنطقی با الگوی ارتباطی مرد توقع / زن کناره‌گیری دیران

متغیرها	باورهای غیرمنطقی	سطح معناداری	تعداد نمونه
الگوی زن توقع / مرد کناره‌گیری	۰/۱۵۴	۰/۰۴۴	۱۷۱

فرضیه چهارم: به منظور بررسی رابطه بین باورهای غیرمنطقی دیران و الگوی ارتباط زن توقع / مرد کناره‌گیری آنها از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. نتایج نشان می‌دهد که همبستگی محاسبه شده برابر است با (۰/۱۶۶) که با درجه آزادی (۱۶۹) در سطح معناداری (P < ۰/۰۵) از همبستگی جدول (۰/۱۳۸) با همان درجه آزادی بزرگتر

است. در نتیجه رابطه بین این دو متغیر معنادار می‌باشد. جهت رابطه، مثبت و مستقیم است، یعنی دبیرانی که باورهای غیرمنطقی بیشتری دارند در الگوی ارتباطی زن توقع / مرد کناره‌گیری نیز دارای نمره بیشتری می‌باشند و برعکس.

جدول ۶ - رابطه باورهای غیرمنطقی با الگوی ارتباطی زن توقع / مرد کناره‌گیری دبیران

متغیرها	باورهای غیرمنطقی	سطح معناداری	تعداد نمونه
الگوی زن توقع / مرد کناره‌گیری	۰/۱۶۶	۰/۰۳	۱۷۱

فرضیه پنجم: به منظور بررسی رابطه بین باورهای غیرمنطقی دبیران و الگوی ارتباط توقع / کناره‌گیری آن‌ها از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. نتایج نشان می‌دهد که همبستگی محاسبه شده برابر است با (۰/۱۷) که با درجه آزادی (۱۶۹) در سطح معناداری ( $P < ۰/۰۵$ ) از همبستگی جدول (۰/۱۳۸) با همان درجه آزادی بزرگتر است. در نتیجه، رابطه بین این دو متغیر معنادار می‌باشد. جهت رابطه، مثبت و مستقیم است، یعنی دبیرانی که باورهای غیرمنطقی بیشتری دارند در الگوی ارتباطی توقع / کناره‌گیری نیز دارای نمره بیشتری می‌باشند و برعکس.

جدول ۷ - رابطه باورهای غیرمنطقی با الگوی ارتباطی توقع / کناره‌گیری دبیران

متغیرها	باورهای غیرمنطقی	سطح معناداری	تعداد نمونه
الگوی توقع / کناره‌گیری	۰/۱۷	۰/۰۲۶	۱۷۱

فرضیه ششم: به منظور تعیین اینکه زنان و مردانی که الگوی ارتباط سازنده متقابل الگوی غالب روابط زناشویی آن‌هاست به لحاظ باورهای منطقی با یکدیگر تفاوت دارند از آزمون ۱ برای گروه‌های مستقل استفاده شد. نتایج نشان می‌دهد که ۲ محاسبه شده برابر است با (۳/۴۸) که با درجه آزادی (۱۵) در سطح معناداری ( $P < ۰/۰۱$ ) از ۲ بحرانی جدول (۲/۹۴) در همان سطح معناداری بزرگتر می‌باشد. در نتیجه بین زنان و مردان در این الگو برحسب باورهای غیرمنطقی تفاوت وجود دارد و برحسب میانگین زنان دارای باورهای غیرمنطقی بیشتری نسبت به مردان می‌باشند. در ضمن، بین واریانس دو گروه به لحاظ آماری تفاوتی وجود نداشت.

جدول ۸ - تفاوت بین زنان و مردان

دارای الگوی ارتباط سازنده متقابل برحسب باورهای غیرمنطقی

متغیر	جنسیت	میانگین	انحراف استاندارد	مقدار $t$	درجه آزادی	سطح معناداری	تعداد نمونه
باورهای غیرمنطقی	زن	۵۲/۵	۸/۵۹	۳/۴۸	۱۵	۰/۰۰۳	۱۸
	مرد	۴۰/۱۸	۵/۹۸				۲۸

فرضیه هفتم: به منظور تعیین اینکه زنان و مردانی که الگوی ارتباط اجتناب متقابل دارند به لحاظ باورهای غیرمنطقی با یکدیگر تفاوت دارند از آزمون  $t$  برای گروه‌های مستقل استفاده شد. نتایج نشان می‌دهد که  $t$  محاسبه شده برابر است با (۰/۴۵۹) که با درجه آزادی (۳۳) در سطح معناداری ( $P < ۰/۰۵$ ) از  $t$  بحرانی جدول (۲/۷) در همان سطح معناداری کوچکتر می‌باشد. در نتیجه، بین زنان و مردان در این الگو برحسب باورهای غیرمنطقی تفاوت وجود ندارد. در ضمن، بین واریانس دو گروه به لحاظ آماری تفاوتی وجود نداشت.

جدول ۹ - تفاوت بین زنان و مردان

دارای الگوی ارتباط اجتناب متقابل برحسب باورهای غیرمنطقی

متغیر	جنسیت	میانگین	انحراف استاندارد	مقدار $t$	درجه آزادی	سطح معناداری	تعداد نمونه
باورهای غیرمنطقی	زن	۴۳/۹۹	۶/۸۷	۰/۴۵۹	۳۳	۰/۶۴	۱۳
	مرد	۴۲/۷۷	۷/۳۱				۲۲

فرضیه هشتم: به منظور تعیین اینکه زنان و مردانی که الگوی مرد توقع / زن کناره‌گیری دارند به لحاظ باورهای منطقی با یکدیگر تفاوت دارند از آزمون  $t$  برای گروه‌های مستقل استفاده شد. نتایج نشان می‌دهد که  $t$  محاسبه شده برابر است با (۳/۰۷) که با درجه آزادی (۳۳) در سطح معناداری ( $P < ۰/۰۱$ ) از  $t$  بحرانی جدول (۲/۷) در همان سطح معناداری بزرگتر می‌باشد. در نتیجه بین زنان و مردان در این الگو برحسب باورهای غیرمنطقی تفاوت وجود دارد و برحسب میانگین زنان دارای باورهای غیرمنطقی بیشتری نسبت به مردان می‌باشند. در ضمن، بین واریانس دو گروه به لحاظ آماری تفاوتی وجود نداشت.

## جدول ۱۰ - تفاوت بین زنان و مردان

دارای الگوی مرد توقع / زن کناره گیری برحسب باورهای غیرمنطقی

متغیر	جنسیت	میانگین	انحراف استاندارد	مقدار t	درجه آزادی	سطح معناداری	تعداد نمونه
باورهای غیرمنطقی	زن	۵۰/۲۷	۹/۶۱	۳/۰۷	۳۳	۰/۰۰۴	۱۱
	مرد	۴۰/۶۶	۸/۱				۲۴

فرضیه نهم: به منظور تعیین اینکه زنان و مردانی که الگوی زن توقع / مرد کناره گیری دارند به لحاظ باورهای منطقی با یکدیگر تفاوت دارند از آزمون t برای گروه‌های مستقل استفاده شد. نتایج نشان می‌دهد که محاسبه شده برابر است با (۲/۰۹) که با درجه آزادی (۳۶) در سطح معناداری (P < ۰/۰۵) از t بحرانی جدول (۲/۰۲) در همان سطح معناداری بزرگتر می‌باشد. در نتیجه بین زنان و مردان در این الگو برحسب باورهای غیرمنطقی تفاوت وجود دارد و برحسب میانگین زنان دارای باورهای غیرمنطقی بیشتری نسبت به مردان می‌باشند. در ضمن، بین واریانس دو گروه به لحاظ آماری تفاوتی وجود نداشت.

## جدول ۱۱ - تفاوت بین زنان و مردان

دارای الگوی زن توقع / مرد کناره گیری برحسب باورهای منطقی

متغیر	جنسیت	میانگین	انحراف استاندارد	مقدار t	درجه آزادی	سطح معناداری	تعداد نمونه
باورهای غیرمنطقی	زن	۴۹/۱۱	۹/۸۲	۲/۰۹	۳۶	۰/۰۴۳	۱۸
	مرد	۴۳/۶	۶/۱۵				۲۰

فرضیه دهم: به منظور تعیین اینکه زنان و مردانی که الگوی توقع / کناره گیری دارند به لحاظ باورهای منطقی با یکدیگر تفاوت دارند از آزمون t برای گروه‌های مستقل استفاده شد. نتایج نشان می‌دهد که محاسبه شده برابر است با (۲/۰۱) که با درجه آزادی (۴۴) در سطح معناداری (P < ۰/۰۵) از t بحرانی جدول (۲/۰۲) در همان سطح معناداری کوچکتر می‌باشد. در نتیجه، بین زنان و مردان در این الگو برحسب باورهای غیرمنطقی تفاوت وجود ندارد. در ضمن بین واریانس دو گروه به لحاظ آماری تفاوتی وجود نداشت.



جدول ۱۲ - تفاوت بین زنان و مردان  
دارای الگوی توقع / کناره‌گیری برحسب باورهای غیرمنطقی

تعداد نمونه	سطح معناداری	درجه آزادی	مقدار	انحراف استاندارد	میانگین	جنسیت	متغیر
۶	۰/۰۵۱	۴۴	۲/۰۱	۷/۴۱	۴۶/۲۷	زن	باورهای غیرمنطقی
۱۱				۸/۲۳	۴۱/۴۶	مرد	

### بحث و نتیجه‌گیری

در مورد فرضیه اول یافته‌ها نشان دادند که بین الگوی ارتباطی سازنده متقابل و باورهای غیرمنطقی رابطه منفی معنادار وجود دارد. این نتایج با مطالعه شرفی (۱۳۸۲) در مورد همبستگی معنادار بین رابطه الگوی ارتباط سازنده متقابل با سلامت روان و شفیع‌نیا (۱۳۸۱) پیرامون تأثیر مثبت آموزش مهارت‌های حل تعارض بر بهبود رابطه سازنده مثبت، هماهنگ است. همچنین با تحقیقات انجام شده پیرامون رابطه رضایت زناشویی و سلامت روان از جمله تحقیق مهدویان (۱۳۷۶)، که همبستگی مثبت معناداری بین رضایت زناشویی و سلامت روان بدست آورد، همخوان است. همچنین با مطالعه کریستینسن (۱۹۸۶)، هولتزورث و جاکوبسون (۱۹۹۲)، (به نقل از عبادت‌پور، ۱۳۷۹) که دریافتند الگوی ارتباط سازنده کمتر در گروه مشکل‌دار دیده می‌شوند، هماهنگ می‌باشد. بنابراین می‌توان گفت کسانی که باورهای منطقی بیشتری دارند در زندگی زناشویی خود سعی می‌کنند در مورد مشکل ارتباطی، روش مناسب‌تر بحث و گفتگو را به کار برده، و پیشنهاد راه حل و مذاکره دهند، احساساتشان را نسبت به هم ابراز کنند، و در این شرایط رضایت و خشنودی بیشتری از زندگی زناشویی خود احساس می‌کنند.

در رابطه با فرضیه دوم پژوهش، یافته‌ها نشان دادند که بین الگوی ارتباط اجتناب متقابل و باورهای غیرمنطقی رابطه مثبت معنادار وجود دارد. به عبارت دیگر استفاده زوجین از الگوی ارتباطی اجتناب متقابل در ارتباط زناشویی به عنوان الگوی غالب، با

افزایش باورهای غیرمنطقی آنها رابطه مثبت معنادار دارد. دالی و بورتن<sup>۱</sup> (۱۹۸۳) و کلاتری (۱۳۸۲) در تحقیقاتی نشان دادند تفاوت معناداری بین باورهای غیرمنطقی و تفاهم زناشویی وجود دارد. الیس و درایدن<sup>۲</sup> (۱۹۹۱) در پژوهش دیگری دریافتند که باورهای غیرمنطقی تهدیدی جدی برای تفاهم زناشویی است و افزایش باورهای غیرمنطقی زمینه نامساعدی برای همفهمی متقابل است. برچلر<sup>۳</sup> و همکاران (۱۹۷۹) دریافتند همسرانی که باورهای نادرست بیشتری دارند در گفتگوها بیشتر از زوج‌های منطقی رفتار کلامی و غیرکلامی منفی دارند.

همچنین پژوهش مارکمن (۱۹۹۳)، به نقل از شفیع‌نیا، (۱۳۸۱) نشان داد اگر مسائل مهم زندگی زناشویی حل نشده باقی بمانند، و زوجین از روبرو شدن با آنها اجتناب نمایند، ممکن است باعث ایجاد استرس روانی گردد و سلامت آنها را به خطر بیندازد، و نتایج تحقیق شرفی (۱۳۸۲) در مورد رابطه منفی معنادار بین الگوی ارتباطی اجتناب متقابل و سلامت روان و تحقیق (گاتمن و کارکوف، ۱۹۹۳؛ گاتمن و کنتز، ۱۹۸۹؛ گاتمن و لونسون، ۱۹۹۲؛ به نقل از عبادت‌پور، ۱۳۷۹)، هیوی<sup>۴</sup> و همکاران (۱۹۹۶)، مبنی بر بکارگیری زوجین از الگوی اجتناب - اجتناب در روابط خود و کاهش سطح صمیمیت، کاهش رضایت زناشویی و سلامت روانی و افزایش طلاق؛ همچنین با تحقیق مارکند و هاک (۲۰۰۰)، به نقل از شفیع‌نیا، (۱۳۸۱) مبنی بر رابطه بین افسردگی و شیوه حل تعارض با استفاده از روش اجتناب - کناره‌گیری همخوان می‌باشد.

بنابراین با توجه به نتیجه پژوهش حاضر و تحقیقات ذکر شده در بالا می‌توان گفت، چنانچه زوجین با مسأله‌ای در روابط زناشویی خود مواجه شوند و نتوانند به نحو مؤثر در مورد پیدا کردن راه حل از طریق گفتگو با یکدیگر به توافق برسند، و به دلیل عدم توانایی در حل تعارض و مسأله خود آن را نادیده بگیرند و بر آن سرپوش بگذارند، این اجتناب و کناره‌گیری دوجانبه می‌تواند با افزایش باورهای غیرمنطقی آنها همراه باشد. نتایج مربوط به فرضیه سوم نشان داد بین مقیاس‌های الگوی ارتباطی مرد توقع / زن کناره‌گیر با باورهای غیرمنطقی رابطه مثبت معنادار وجود دارد.

1. Daly &amp; Burton

2. Ellis &amp; Dryden

3. Birchler

4. Heavy

در این رابطه کوفلین<sup>۱</sup> (۲۰۰۲)، کریستینسن و شنک<sup>۲</sup> (۱۹۹۱)، ساگرساستانو و کولیاچویس به نقل از شرفی، (۱۳۸۲) و روبرتز<sup>۳</sup> (۲۰۰۰) در تحقیقات خود، گزارش کردند زوجینی که این الگوی ارتباطی در ارتباط آن‌ها حاکم است معمولاً با خشونت فیزیکی از سوی مردان همراه بوده و سطح صمیمیت و رضایت زناشویی آن‌ها به شدت کاهش می‌یابد، این ازدواج‌ها معمولاً ثبات کمی داشته و احتمالاً به طلاق منجر می‌شوند. لیرد<sup>۴</sup> (۱۹۹۹) بیان می‌دارد گروهی که در تحقیق او دارای باورهای غیر منطقی بودند معمولاً به شیوه اجتنابی با تعارضات ارتباطی برخورد می‌کردند. یعنی سعی می‌کردند فاصله‌ای میان خویش و همسرشان قایل شوند. این سبب می‌شد که تعاملات و گفتگوی متقابل کمتر شود تا جائیکه منجر به رابطه اجتنابی و یا کناره‌گیری یکی از دو طرف می‌گردید. یافته پژوهش حاضر با نتایج تحقیقات فوق همسو است. بنابراین می‌توان گفت وقتی در یک ارتباط زناشویی مرد به ایجاد تنوع و یا تغییر در یک مسأله با بحث در مورد آن اصرار می‌کند و زن از تعامل خودداری می‌نماید و چنین شیوه ارتباطی در روابط زناشویی آن‌ها غالب است، با میزان بالای باورهای غیرمنطقی آن‌ها رابطه دارد. در رابطه با فرضیه چهارم نتایج نشان دادند که بین متغیرهای الگوی ارتباط زن توقع / مرد کناره‌گیر و باورهای غیرمنطقی همبستگی مثبت و معنادار وجود دارد. به عبارت دیگر چنانچه الگوی ارتباط زن توقع / مرد کناره‌گیر به عنوان الگوی غالب در روابط زناشویی به کار برده شود، با افزایش باورهای غیر منطقی همراه خواهد بود. ایس (۱۳۷۵) معتقد است ریشه مشکلات زناشویی و اختلافات در باورها و تفکرات یکی از زوجین یا هر دو شریک زندگی است. دیوید برونز (نقل از همان منبع)، دریافت تفکر غیرمنطقی باعث اختلال ارتباطی می‌شود.

هیوی، کریستینسن و مالموت (۱۹۹۵)، به نقل از شرفی، (۱۳۸۳)، و همچنین عبادت‌پور (۱۳۷۹)، شفیع‌نیا (۱۳۸۱)، اکبری (۱۳۷۸)، مبنی بر همبستگی معنادار بین استفاده از الگوی تقاضای زن / اجتناب شوهر و افت رضایت زناشویی و پژوهش شرفی (۱۳۸۲) مبنی بر تأثیر مخرب الگوی ارتباطی زن توقع / مرد کناره‌گیر بر سلامت روان با نتایج پژوهش حاضر همسویی دارند. بنابراین براساس یافته‌های تحقیقات فوق و

1. Coughlin

2. Chrstensen & Shenk

3. Roberts

4. Lird

پژوهش حاضر می‌توان گفت، چنانچه در رابطه زناشویی زن سعی کند به وسیله غرزدن و یا پیشنهاد تغییر دادن به همسرش. او را وارد بحث درباره مشکل نماید و همسرش خود را کنار بکشد، چنین الگوی ارتباطی با افزایش باورهای غیرمنطقی آنها رابطه دارد.

در مورد فرضیه پنجم نتایج پژوهش نشان دادند که بین الگوی ارتباط توقع کناره‌گیری و باورهای غیرمنطقی دیران همبستگی معنادار وجود دارد. این نتایج با یافته‌های بدست آمده از پژوهش سلیمانیان (۱۳۷۳) و هانفیند (سعیدیان، ۱۳۸۲) و نتایج بدست آمده توسط گاتمن (شرفی، ۱۳۸۲) مبنی بر ارتباط بین الگوی تقاضا/کناره‌گیری و افزایش استرس و کاهش سطح رضایت زناشویی همسو می‌باشد.

همچنین فورگانی، ۱۹۷۶؛ کریستنسن و مالموت، ۱۹۹۵؛ نولر، فینی، بونل و کالان، ۱۹۹۴؛ پیرسون ۱۹۷۹؛ اسکاپ، بانک، کرکترا، ۱۹۸۸؛ به نقل از کورقلین و نوجلیستی<sup>۱</sup>، (۲۰۰۰)؛ کریستنسن و شنک (۱۹۹۱) و عبادت‌پور (۱۳۷۹)، در پژوهش‌های خود، الگوی تقاضا/کناره‌گیری را با نارضایتی، افسردگی و طلاق مرتبط دانسته‌اند، که با نتیجه پژوهش حاضر همخوان است. با توجه به آنچه در پژوهش حاضر بدست آمد، می‌توان گفت چنانچه الگوی غالب در روابط زناشویی الگوی توقع/کناره‌گیری باشد با افزایش باورهای منطقی زوجین با یکی از آنها همراه است.

در مورد فرضیه ششم یافته‌ها نشان دادند بین باورهای غیرمنطقی زنان و مردان با الگوی ارتباط سازنده متقابل آنها تفاوت معناداری وجود دارد، به عبارت دیگر مردان در مقایسه با زنان از باورهای منطقی بیشتری برخوردارند. این یافته با نتایج تحقیق تختی (۱۳۸۰) که بین رضایت زناشویی مردان و زنان تفاوتی نیافت، و سلیمانیان (۱۳۷۳) که نشان داد تفاوت معناداری بین تفکرات غیرمنطقی و جنسی زن و مرد وجود ندارد همسو می‌باشد. اما با مطالعات گاتمن ۱۹۹۴، به نقل از شرفی، (۱۳۸۲)، و ذبیحی (۱۳۷۷)، ایس و جونز ۱۹۹۴ به نقل از علیمحمدی (۱۳۷۹) که نشان دادند بین میزان باورهای منطقی و جنسیت تفاوت معناداری وجود دارد همخوان می‌باشد.

بنابراین می‌توان گفت مردان دیرری که در ارتباط با همسرشان اغلب در مورد مسائل زناشویی که در حین ارتباط برای آنها به وجود می‌آید بحث و گفت‌وگو می‌کنند و برای

مشکلاتشان راه حل پیشنهاد می‌دهند از انتقاد و کینه‌توزی پرهیز کرده فعالانه به صحبت‌های شریکشان گوش می‌دهند و دارای روابط مستحکم زناشویی هستند در مقایسه با زنان دبیری که چندین شبوه‌های ارتباطی را در تعامل با همسرشان به کار می‌گیرند منطقی‌تر هستند بنابراین به نظر می‌رسد دبیران مرد انتظارشان از زندگی زناشویی واقع‌بینانه‌تر و تفکرات اغراق‌آمیز، انعطاف‌ناپذیر، غیرمنطقی و به ویژه مطلق‌گرای کمتری دارند.

در مورد فرضیه هفتم یافته‌ها نشان داده‌اند بین باورهای غیرمنطقی زنان و مردان با الگوی ارتباط اجتناب متقابل آن‌ها تفاوت معناداری وجود ندارد. یافته فوق با نتایج تحقیق سلیمانیان (۱۳۷۳)، تختی (۱۳۸۰)، که دریافته‌اند تفاوتی بین باورهای منطقی زنان و مردان وجود ندارد همخوان است. اما با یافته‌های گاتمن و کارکوف به نقل از عبادت‌پور، (۱۳۷۹)، فارتلر و هاریس (۱۹۹۶)، میشل و جونز به نقل از علیمحمدی (۱۳۷۹)، که نشان داده‌اند دختران غیرمنطقی‌تر از پسران هستند، همخوان نمی‌باشد. بنابراین می‌توان گفت هنگامی که زن و شوهر از بحث و تبادل نظر در مورد مشکل ارتباطی دوری می‌کنند و بر روی مسائل خود سرپوش می‌گذارند، افشاگری بسیار پایینی در ارتباط زناشویی خود دارند و قدرت حل تعارضات در آن‌ها ضعیف است، تفاوتی در میزان باورهای منطقی زنان و مردان دیده نمی‌شود.

در مورد فرضیه هشتم یافته‌ها نشان داد بین باورهای منطقی زنان و مردان دبیر با الگوی ارتباطی مرد توقع / زن کناره‌گیر تفاوت معناداری وجود دارد. یافته فوق با نتایج پژوهش روبرتز (۲۰۰۰)، سلیمانیان (۱۳۷۳)، تختی (۱۳۸۰)، همخوان نیست اما با تحقیقات گاتمن ۱۹۹۴ به نقل از شرفی (۱۳۸۲)، ذبیحی (۱۳۷۷)، ایسر و جونز به نقل از علیمحمدی (۱۳۷۹)، همخوان می‌باشد. بنابراین می‌توان گفت هنگامی که در ارتباط زناشویی اغلب مرد به منظور ایجاد تنوع و تغییر در یک مسئله از طریق بحث در مورد آن اصرار می‌کند و زن از تعامل خودداری کرده و به‌طور فیزیکی یا روانی خود را از بحث کنار می‌کشد غالباً از این شیوه استفاده می‌شود، و مردان باورهای منطقی بیشتری در مقایسه با زن‌ها دارند.

در مورد فرضیه نهم یافته‌ها نشان دادند بین باورهای غیرمنطقی زنان و مردان دبیر با الگوی ارتباطی زن توقع / مرد کناره‌گیر تفاوت معناداری وجود دارد. نتایج فوق با

یافته‌های ذبیحی (۱۳۷۷)، فراتلر و هاریس (۱۹۹۶)، میشل و جونز به نقل از علی‌محمدی (۱۳۷۹)، همخوان است ولی با یافته‌های سلیمانیان (۱۳۷۳)، تختی (۱۳۸۰) همسو نمی‌باشد. بنابراین می‌توان گفت هنگامی که زن از حالت‌هایی ناراضی است و برای تغییر به شوهر خود فشار می‌آورد و مرد بیشتر از این حالت‌ها رضایت دارد و از مواجه با نیرویی که او را مجبور به تغییر کند کناره می‌گیرد و اجتناب می‌کند، در این شرایط زنان باورهای غیرمنطقی بیشتری دارند. احتمالاً آن‌ها بیشتر از مردان معتقدند که به داشتن ازدواج محبت‌آمیز نیازمند و هرگاه واقعیت‌های زندگی زناشویی مطابق انتظارشان نباشد وحشت زده شده و آن را فاجعه تلقی می‌کنند.

در مورد فرضیه دهم نتایج نشان داد بین باورهای غیرمنطقی زنان و مردان دبیر با الگوی ارتباطی توقع/کناره‌گیری آن‌ها تفاوت معناداری وجود ندارد. یافته پژوهش حاضر با نتایج تحقیقات کوردک (۱۹۹۵)، کوقلین و ونجلیستی (۲۰۰۰)، گاتمن (شرفی، ۱۳۸۲)، همخوان نیست ولی با یافته‌های تختی (۱۳۸۰)، سلیمانیان (۱۳۷۳)، همسو می‌باشد. با توجه به نتایج بدست آمده و تحقیقات ذکر شده بالا می‌توان گفت: هنگامی که در یک الگوی ارتباطی، زوجین الگویی تشکیل می‌دهند که در آن هر فرد به نوبت شکایت و تقاضا می‌کند در حالی که دیگری خود را کنار می‌کشد و اجتناب می‌کند تفاوتی بین میزان باورهای منطقی زنان دبیری که چنین شیوه ارتباطی الگوی غالب روابط زناشویی آن‌هاست و مردان دبیری که اغلب از چنین شیوه‌ای در ارتباط به همسوزان استفاده می‌کنند، وجود ندارد. به عبارت دیگر هر دو به یک اندازه به جای این که نسبت به تغییر رفتار همسر و ماهیت ازدواج اظهار تمایل کنند به گونه‌ای تحکم‌آمیز متوقع‌اند. در جمع‌بندی و نتیجه‌گیری از مطالب بالا می‌توان گفت نتایج نشان دادند که بین الگوی ارتباط سازنده متقابل و باورهای غیرمنطقی دبیران، رابطه منفی معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر دبیران زن و مردی که دارای باورهای غیرمنطقی بیشتری هستند در ارتباط زناشویی خود کمتر از الگوی سازنده متقابل استفاده می‌کنند. علاوه بر آن بین سایر الگوهای ارتباط زناشویی و باورهای غیرمنطقی همبستگی مثبت و معنادار بدست آمد. بدین معنا که استفاده از الگوهای ارتباطی اجتناب متقابل، زن توقع/مرد کناره‌گیر، مرد توقع/زن کناره‌گیر، توقع/کناره‌گیری، که همگی الگوهای ناسالم ارتباط زناشویی

هستند با افزایش باورهای غیر منطقی دیران همراه می‌باشند. همچنین یافته‌ها نشان دادند مردان دیرری که الگوهای ارتباطی سازنده متقابل، زن توقع / مرد کناره‌گیر، مرد توقع / زن کناره‌گیر، الگوی غالب در ارتباط زناشویی آنهاست، در مقایسه با زنان دیرری که از این الگوها در ارتباط با همسرانشان استفاده می‌کنند منطقی‌تر هستند. در توجیه این مطلب می‌توان گفت با توجه به نقش مادری زنان و غلبه عواطف و احساسات آنها، تحقیق حاضر و برخی تحقیقات ذکر شده در بالا، مانند: گاتمن (۱۹۹۴)، ذبیحی (۱۳۷۷)، ایس و جونز (۱۹۹۴) نشان داده‌اند مردان منطقی‌تر از زنان هستند.

در حالی که تفاوت بین دو جنس در الگوهای ارتباطی اجتناب متقابل، توقع / کناره‌گیری، معنادار نبود. در توجیه این مطلب نیز می‌توان گفت هنگامی که در الگوی ارتباطی توقع / کناره‌گیری هر فرد به نوبت تقاضا می‌کند و دیگری خود را از تعامل و گفتگو کنار می‌کشد و یا در الگوی ارتباطی اجتناب متقابل زوجین هر دو از بیان احساساتشان به طرف مقابل اجتناب کرده و درون‌ریزی می‌کنند، زنان و مردان به یک نسبت در شکل‌گیری این الگوهای ناسالم ارتباطی سهم هستند.

### پیشنهاد‌های کاربردی

با توجه به نتایج پژوهش که رابطه بین الگوهای ارتباط زناشویی و باورهای منطقی را نشان می‌دهد، لزوم توجه به اصلاح باورهای غیرمنطقی و الگوی ارتباطی مخرب مشخص می‌شود؛ بنابراین موارد زیر پیشنهاد می‌گردد: ۱- آموزش شیوه تفکر منطقی و مهارت‌های ارتباطی در قالب کلاس‌های آموزش قبل از ازدواج به منظور پیشگیری از بروز مشکلات و افزایش آمادگی افراد در برخورد با تعارضات زناشویی ۲- برگزاری کارگاه‌های آموزش باورهای منطقی با تأکید بر نظریه رفتار درمانی، عقلانی عاطفی، برای زوجین دارای مشکلات ارتباطی، با هدف بالا بردن سطح تفاهم و رضایت زناشویی، و ارتقاء بهداشت روانی اعضای خانواده ۳- به علت عدم دسترسی همگان به خدمات مشاوره‌ای پیشنهاد می‌شود از افراد متخصص در امر خانواده درمانی و مشاوره، برای آگاهاندن مردم در مورد اهمیت و تأثیر شگرف اصلاح باورها و نقش آن در بهبود روابط زناشویی از رسانه‌های گروهی استفاده به عمل آید.

## منابع

- آزاد، ح. (۱۳۷۵). تحلیلی بر روش درمانگری آلبرت الیس. اولین سمینار مشاوره و راهنمایی در ایران.
- اکبری، م. (۱۳۷۸). بررسی مشکلات مربوط به صمیمیت زوجین و تأثیر ارتباط درمانی زوجین بر آن. پایان نامه کارشناسی ارشد مشاوره، دانشگاه الزهرا.
- الیس، آ و همکاران. (۱۳۷۵). زوج درمانی. ترجمه صالحی، ج. و امین یزدی، ر. تهران: انتشارات میثاق.
- برنشتاین، ف. ا. ج. و برنشتاین، م. تی. (۱۳۸۰). زناشویی درمانی از دیدگاه رفتاری - ارتباطی. ترجمه پورعابدی نایینی، ح. و منشئی، غ. ر. تهران: رشد.
- بولتون، ر. (۱۳۸۳). روانشناسی روابط انسانی. ترجمه سهرابی، ح. ر. تهران: انتشارات رشد.
- ذبیحی، ر. (۱۳۷۷). بررسی ارتباط بین ویژگی های شخصیتی و باورهای غیرمنطقی در بین دانشجویان دانشگاه های تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی، دانشگاه الزهرا.
- رسولی، م. (۱۳۸۰). رابطه بین الگوی ارتباط زن و شوهران دانشجوی دانشگاه های تهران و الگوی ارتباطی والدین آن ها. پایان نامه کارشناسی ارشد مشاوره، دانشگاه تربیت معلم تهران.
- ساروخانی، ب. (۱۳۷۰). مقدمه ای بر جامعه شناسی خانواده. تهران: انتشارات سروش.
- سعیدیان، ف. (۱۳۸۲). بررسی رابطه بین ساختار قدرت در خانواده با تعارضات زناشویی. پایان نامه کارشناسی ارشد مشاوره، دانشگاه تربیت معلم تهران.
- سودانی، م. (۱۳۷۵). مقایسه اثر روش های مشاوره فردی و گروهی با تأکید بر روش عقلانی - عاطفی در کاهش باورهای غیرمنطقی دانشجویان پسر مجرد رشته های دبیری علوم پایه سین ۱۸-۱۴ دانشگاه شهید چمران سال تحصیلی ۷۴-۷۵. پایان نامه کارشناسی ارشد مشاوره، دانشگاه تربیت معلم تهران.
- شرفی، ع. (۱۳۸۲). رابطه بین الگوی ارتباطی زناشویی و سلامت روان معلمان زن دوره ابتدایی و همسران آن ها در شهر تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد مشاوره، دانشگاه تربیت معلم تهران.
- شفیعی نیا، ا. (۱۳۸۱). بررسی تأثیر آموزش مهارت های حل تعارضات زناشویی بر بهبود روابط متقابل زن و شوهر. پایان نامه کارشناسی ارشد مشاوره، دانشگاه علامه طباطبایی.
- عبادت پور، ب. (۱۳۷۹). هنجاریابی پرسشنامه الگوهای ارتباطی زناشویی در شهر تهران در سال ۱۳۷۸-۷۹. پایان نامه کارشناسی ارشد مشاوره، دانشگاه تربیت معلم تهران.



- علیمحمدی، ح. (۱۳۷۹). بررسی رابطه نقش جنسی با سازگاری زناشویی دانشجویان متأهل تهرانی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره، دانشگاه الزهرا.
- کلاتتری خاندانی، آ. (۱۳۸۲). بررسی ارتباط بین باورهای غیرمنطقی و تفاهم زناشویی در زنان دانشجوی رشته علوم انسانی دانشگاه تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهرا.
- موسوی، ا. (۱۳۸۲). خانواده درمانی با رویکرد سیستمی. تهران: انتشارات دانشگاه الزهرا.
- مهدویان، ف. (۱۳۷۶). بررسی تأثیر آموزش ارتباط بر رضامندی زناشویی و سلامت روانی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، انستیتو روانپزشکی تهران.
- نوابی‌نژاد، ش. (۱۳۷۷). ویژگی‌ها و شرایط لازم دختر و پسر برای ازدواج. جوان و تشکیل خانواده. تهران: انتشارات انجمن اولیاء و مربیان.

- Burman, B. & Margolin, G. (1992). Analysis of the association between marital relationships and health problems: an interactional perspective. *psychological Bulletin*, 112, 39-63.
- Birchler, G. R. & Weiss, R. L. (1979). A multimethod analyse social reinforcement exchange between spouse and stranger dyads. *Journal of Personality and social psychology*.
- Chrstensen, A. & Shenk, J. L. (1991). Communication, conflict, and psychological distance in nondistressed, clinic, and divorcing couples. *Journal of counseling and clinical psychology*, 57, 458-463.
- Daly, H. & Burton, R. (1983). Marital satisfaction and irrational beliefs. An explorry in vestigation with implication for Counseling. *Journal of Counseling Psychology*.
- Ellis, A. & Dryden, W. (1991). *Introduction to Rational - Emotive therapy*. 2 D Edition P: McGrow-Hill.
- Heavy, C. L. & Christensen, A. (1996). The communication patterns questionnaire: The reliability and validity of a constructive communication subscale. *Journal of marriage and the family*, 58, 796-800.
- Hu, Y. & Goldman, N. (1990). Morality differentials by marital status: An international comparison. *Demography*, 27 (2), 233.
- Lird, M. N. (1999). The relationship between irrational beliefs and emotions and communication in couples. *Journal of family therapy*, 13, 202-217.
- Roberts, L. J. (2000). Fire and ice in marital commnication: Hostile and distancing behaviors as predictors of marital distress. *Journal of marriage & family*, 62, 623-707.